

The impact of DBAE Curriculum on Art Education of Primary School Students

Khalil Ghaffari

Department of education, Khomein branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

Esmail, Kazempour

Department of education, Tonekabon branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.

Maryam Oghani Hamadani

M.A Educational planning. Researcher of education organization of Hamedan, Hamedan, Iran.

Abstract

The purpose of this study was the review of the impact of the discipline based art education curriculum on art education of the primary school students. A quasi-experimental study using pre-test and post-test with control group. Study population included 910 fifth grade students of elementary schools in Branch in the number of people in the academic year is 2010-2011. The sample consisted of two groups of 25 people was the experimental and control established through fifth grade elementary school classes to sampling Branch city, were selected randomly. Thesis titled t-test assessment tool developed by the researchers to measure the four components in the production of artistic education, criticism, art history and aesthetics were used. After verifying the validity, reliability, Cronbach's alpha, respectively artistic production by 0/81, art criticism 0/82, Art History 0/83, aesthetics 0/83 and 0/93 respectively in total. The descriptive statistics of frequency charts, mean and standard deviation and inferential statistics multivariate analysis of covariance (MANCOVA) is used. Art education includes developing four production skills, criticism, art history, and beauty of the students are. The results of multivariate analysis of covariance showed that the post of artistic education students in the fields of production and art criticism in the two groups was not significant. So discipline-based art education curriculum in the field of art criticism does not impact on the artistic education students. While, the post of artistic education students in the fields of art history and aesthetics in the two groups was significant. The discipline-based art education curriculum in the field of art history and aesthetics on artistic education affects students.

Key words: Discipline-based art Education, Curriculum, Art Education, Primary School.

تأثیر برنامه درسی آموزش هنر دیسیپلین محور بر تربیت هنری دانش آموزان دوره ابتدایی

خلیل غفاری*

گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، خمین، ایران.

اسماعیل کاظم‌پور

گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، تنکابن، ایران.

مریم اوقاتی همدانی

کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی. پژوهشگر و دبیر آموزش و پرورش همدان.

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر برنامه درسی آموزش هنر دیسیپلین محور بر تربیت هنری دانش‌آموزان دوره ابتدایی سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بود. تحقیق حاضر به روش شبه آزمایشی و با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شد. جامعه‌ی مورد مطالعه، همه‌ی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تنکابن به تعداد ۹۱۰ نفر در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بوده است و نمونه آماری مشتمل بر دو گروه ۲۵ نفری گواه و آزمایش بود که از میان کلاس‌های دایره پایه پنجم مدارس ابتدایی شهرستان تنکابن به روش نمونه‌گیری، تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار سنجش، آزمون تن تزی، برای اندازه‌گیری میزان تربیت هنری در چهار مؤلفه تولید، نقد، تاریخ هنر و زیباییشناسی مورد استفاده قرار گرفت، که پس از تأیید روایی، پایایی آن به‌وسیله آلفای کرونباخ به ترتیب تولید هنری ۰/۸۱، نقد هنری ۰/۸۲، تاریخ هنری ۰/۸۳، زیبایی‌شناسی ۰/۸۳ و در کل ۰/۹۳ محاسبه شد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و در بخش آمار استنباطی از آزمون تحلیل کواریانس چند متغیره (مانکووا) نرم‌افزار spss استفاده شده است. آموزش هنر شامل ایجاد و توسعه‌ی چهار مهارت تولید، نقد، تاریخ هنری، و زیبایی‌شناسی در دانش‌آموزان است که نتایج حاصل از مانکووا نشان داد که بین پس‌آزمون تربیت هنری دانش‌آموزان در حوزه‌های تولید و نقد هنری در دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد، بنابراین برنامه درسی آموزش هنر دیسیپلین محور در حوزه تولید و نقد هنری بر میزان تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر ندارد. در حالی که، بین پس‌آزمون تربیت هنری دانش‌آموزان در حوزه‌های تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی در دو گروه تفاوت معنادار مشاهده شد، از این رو برنامه درسی آموزش هنر دیسیپلین محور در حوزه تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: آموزش هنر دیسیپلین محور، برنامه درسی، تربیت هنری.

مقدمه

هنر (Art) درسی است از حیث مضمون و دشواری، هم‌تراز با سایر علوم؛ لیکن چون نتیجه‌ی عینی و آشکاری مانند آموزش خواندن و نوشتن نداشته است، مورد سطحی‌نگری واقع شده و بی‌برنامه رها شده است. (Mehrmohammadi and Amini, 2001, p226). یکی از مباحث اساسی که در جریان تبیین جایگاه هنر مطرح است، نقد مفهوم سواد سنتی (Traditional literacy) و کوشش در جهت بازشناسی ابعاد و حدود و ثغور آن است (Eisner, 2008). (Mehrmohammadi, 2004, p12) به نقل از (Mehrmohammadi, 2004)، معتقد است باید پذیریم که سواد (Literacy) عبارت است از قابلیت رمزگشایی و رمزگردانی (Decoding) از معنا و مفهوم، صرف‌نظر از قالب یا فرم اجتماعی که معنا با استفاده از آن ابراز شده است (Mehrmohammadi, 2004, p13). دقیقاً به دلیل جایگاه و اهمیت آموزش هنر در پرورش تفکر و رشد شناختی است که آیزنر برخی از تأثیرات تربیت هنری در توانایی شناختی را تبیین می‌کند (Tamannayifar, Amini, Yazdanikashani, 2010, p44). اهداف کلی برنامه درسی هنر دوره آموزش عمومی به این قرار است، پرورش روحیه‌ی زیباشناسی؛ توانایی برقراری ارتباط با طبیعت؛ آشنایی با تاریخ هنر ایران؛ توانایی تولید محصولات (آثار) هنری؛ توانایی نقد هنری (Planning Department of the Arts, 2009, Pp14-15). صاحب‌نظران بر اساس جهت‌گیری‌های فکری و فلسفی خود به توصیف خاصی از معنا و مفهوم هنر پرداخته‌اند (Amini, 2005, p1). تربیت هنری (Art Training)، متأثر از این دیدگاه‌ها نسبت به هنر و توجه به رویکردهایی به آموزش هنر و یادگیری آن به‌این‌ترتیب است: رویکرد سنتی (Tradition Approach)؛ رویکرد تلفیقی؛ رویکرد تولید هنری (تولید محور) (Art production)؛ رویکرد زیباشناسی به رودی (احساس و معنا)؛ رویکرد مشاهده آثار هنری (پرورش منش‌های ممتاز فکری) (Thinking Disposition)؛ رویکرد معرفت زیباشناختی

(Aesthetic Cognition)؛ رویکرد دیسیپلین محور (Discipline- Based Art Sharafi, 2010, p61) (DBAE) (Education) از میان رویکردهای مختلف تربیت هنری، "رویکرد دیسیپلین محور" مناسب‌تر از سایر رویکردها به نظر می‌آید چراکه این رویکرد در درجه اول در پی احراز هویت دیسیپلینی برای برنامه درسی هنر است و به‌زعم بسیاری از متخصصان حوزه تربیت هنری از آن به‌عنوان رویکردی جامع یاد می‌شود. این رویکرد، تربیت هنری را از ابعاد چهارگانه تولید هنری، تاریخ هنری، نقد هنری و زیبایی‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهد (Kazempour, Rastegarpour and Seif, Naraghi, 2008, p128). Greer, 1984) اصطلاح «آموزش هنر دیسیپلین محور» (DBAE) را وضع کرد (Mehrmohammadi, 2004, p193). رویکرد دیسیپلین محوری را می‌توان مهم‌ترین رویداد در ارائه الگوی نظری برای آموزش هنر دانست (Dalvandi, 2010, p14). Mathews, 2005) نیز به نقل از (Schappelle, 2006) عقیده دارد آموزش هنر دیسیپلین محور (DBAE) آموزش هنر را با تمرکز بر دانش عمیق‌تر و کاربرد مهارت‌های تفکر سطح عالی ارتقاء داده است (Schappelle, 2006, p15). برای یادگیری محتوا از طریق چندین شاخه‌ی دانش، اما به‌ویژه برای چهار حوزه اساسی هنر، طراحی گردیده است این چهار حوزه به شرح زیر است (Dobbs, 2003, p1).

الف- تولید هنر: تولید هنری بیانگر تبدیل قصد و نیت هنری به یک دستاورد هنرمندانه است (Amini, 2005, p118). شامل آشنا شدن با محدود گسترده‌ای از مواد، ابزار، تجهیزات و فن‌های هنر است (Dobbs, 1992, p83). بر این اساس، حیطة تولید هنری بر جنبه‌های علمی و کاربردی تأکید دارد (Sharafi, 2010, p14).

ب- نقد هنر: نقد هنری ناظر بر توصیف، تفسیر، ارزشیابی و نظریه‌پردازی در مورد آثار هنری و نقش و جایگاه آن در جامعه است (Amini, 2005, p120). به‌زعم (Brody, 1992) هنر به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد

بدون تغییر مانده بود. همچنین زمان اختصاص یافته به این درس (دو هفته ۳ ساعت) جوابگوی تحقق اهداف تربیت هنری نبوده و از سوی دیگر در برخی از مدارس نیز معلمان غیرمتخصص و ناآگاه در زمینه‌ی تربیت هنری در کلاس‌های آموزش هنر دوره ابتدایی نیز حضور داشتند.

استنفورد (Stanford, 1990) در نتایج پژوهش خود چهار شاخه‌ی تشکیل‌دهنده‌ی هنر، تولید، تاریخ، نقد و زیبایی‌شناسی را بیان کرده است که منجر به آموزش مؤثر کلاس‌های درس دوره ابتدایی می‌شوند. (Wanda, Lantz and Rohr, 1990) طی پژوهشی معتقدند نقد در شاخه‌های هنر موسیقی وجود دارد. (Greer, 1993) به این نتیجه رسید که هنر می‌تواند مانند سایر برنامه‌های درسی به صورت دیسیپلین محور اجرا شود. به‌زعم (Hamblen, 1993) هنر دیسیپلین محور با کاربرد شاخه‌های اصلی خود روندی روبه رشد و متناسب با موقعیت‌ها و شرایط جدید دارد. (Rozek, 1994) معتقد بود تمام اهداف برنامه مبتنی بر آموزش هنر دیسیپلین محور با گروه هدف به‌طور معناداری در تمامی حوزه‌ها بهبود یافت. (Wilson, 1997) در تحقیقی آموزش هنر دیسیپلین محور را به‌عنوان سنگ‌پایه؛ و تلاش‌های مؤسسه آموزشی گتی را به‌عنوان سرمشق بسیاری از راهبردهای گسترش‌یافته در مدارس به اثبات رساند. (Carrol, 1999) به این نتیجه می‌رسد که آموزش هنر دیسیپلین محور می‌تواند چارچوبی در راستای توافق هنرمندان و منتقدان هنر، زیبایی‌شناسان و مورخان هنر ارائه نماید. (Stephens and Walkup, 2000) در پژوهشی آموزش جامع هنر را آموزش هنر دیسیپلین محور یا برنامه درسی تلفیقی (Integrated curriculum) شناخته‌شده معرفی می‌نمایند. در پژوهش (Amini, 2001) نتایج حاکی از آن بود که برنامه فعلی هنر دوره ابتدایی از نظر فرصت‌های یاددهی - یادگیری و شیوه‌ها و ابزارهای ارزشیابی در حد ضعیفی قرار دارد. (Omniewski, 2004) در تحقیقی اذعان می‌دارد نقد

تا در درک خود از تصورات و برداشت‌ها دارای بصیرت مبتنی بر تحلیل شوند (Fathi Vajargah, 2007, p197). (Eisner, 1998) تأکید بر انتقاد در آموزش هنری دارد؛ و واژه‌های خبره (Connoisseur) و خبرگی را برای ابداع مفهوم «انتقاد آموزشی» (Criticism Training) مورد استفاده قرار می‌دهد (Fathi Vajargah, 2007, p208).

پرسش‌های اساسی در مورد حیطه نقد هنری عبارت‌اند از: اثر حاصل چه مفهومی است؟ قدر و ارزش اثر هنری چه قدر است؟ موضوع اصلی اثر هنری کدام است؟ (Amini, 2005, Pp 121-123).

ج- تاریخ هنر: تاریخ هنر مستلزم بررسی و پژوهش درباره بسترهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی پدیده‌های هنری است (Amini, 2005, p124). هر ملتی باید ادراک تاریخی ملی و بین‌المللی از فرهنگ و تمدن بشری را نیز در خود زنده نگه دارد (Silver, Alexander and Lewis, 2001, p24). تاریخ هنر، بر نقش هنر در فرهنگ و تاریخ به وجود آوردن هنر تمرکز می‌کند (Dobbs, 1992, p86).

د- زیبایی‌شناسی: زیبایی‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه، به معنای مجموعه‌ای از مفاهیم بنیادی و اصول مربوط به ماهیت زیبایی، ذوق هنری، خلق هنری است (Lotfabadi, Ebrahimzadeh and Mehr, 2010, p172). (Shepher and Ragan, 1994) معتقدند تربیت هنری باید معطوف به ایجاد قابلیت‌های زیبایی‌شناختی در دانش‌آموزان و آگاهی‌های زیبایی‌شناسی (Aesthetic Awareness)، خلاقانه (Creative Awareness)، انسانی (Awareness Human)، ارتباطی (Awareness Communication)، انتخاب (Awareness Selection) و تجربه (Awareness Experiences) باشد (Amini, 2005, p114).

با بررسی اجمالی روند برنامه آموزش هنر دوره ابتدایی، آموزش هنری را می‌توان مبتنی بر رویکرد تولید محور (Production-based) قلمداد کرد (Mehrmohammadi, 2004, p172). در نظام آموزشی ایران کنونی مشاهده می‌شود که برنامه درسی هنر با اختصاص محتوای یکسان برای این درس در مهر و موم‌های متمادی بیش از ۱۵ سال،

دلایل اصلی ناکارآمدی آموزش هنر در مدارس می‌داند. یافته‌های پژوهش (Lrkyan, 2011) نشان می‌دهد رویکرد مطلوب برنامه درسی هنر، رویکرد «تربیت هنری دیسپلین محور» است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه درسی آموزش هنر دیسپلین محور بر روی تربیت هنری دانش‌آموزان دوره ابتدایی صورت گرفته است. نظر به اهمیت قلمرو تربیت هنری، و حساسیت رشد هنری در دانش‌آموزان دوره ابتدایی از سویی، و توجه به جامعیت رویکرد دیسپلین محور در حوزه هنری به لحاظ پرداختن به چهار دیسپلین فرعی در جهت تحقق اهداف در نظر گرفته شده برای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، این پژوهش بر آن شد که در پی آزمون فرضیه‌های ویژه زیر باشد:

۱. آموزش هنر مبتنی بر دیسپلین محوری در حوزه تولید هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد.
۲. آموزش هنر مبتنی بر دیسپلین محوری در حوزه تاریخ هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد.
۳. آموزش هنر مبتنی بر دیسپلین محوری در حوزه نقد هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد.
۴. آموزش هنر مبتنی بر دیسپلین محوری در حوزه زیبایی‌شناسی بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحقیق شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه‌ی آماری این پژوهش، تمام دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهرستان تنکابن در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ به تعداد ۹۱۰ نفر بودند. نمونه تحقیق دو کلاس ۲۵ نفره در یک مدرسه که دانش‌آموزان دو کلاس از نظر ویژگی‌های دموگرافیک مشابه بودند در نظر گرفته شد که به شیوه تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش با اقتباس از آزمون (Kazempour, Rastegarpour and Seif)

به‌عنوان فهمیدن مشخص شده است. مطالعات در زیبایی‌شناسی، بچه‌ها را قادر به فهمیدن و بحث در مورد تأثیر هنرها می‌کند. نتایج پژوهش اسکاپل (Schappelle, 2006) حاکی از آن است که تعاملات کلاسی بین دانش‌آموزان منجر به تفسیر زیباتری می‌شود. (Mollazehi, 2005) نشان داد روش‌های تدریس و ارزشیابی رایج در جهان با آنچه در ایران مورد تأکید است، متفاوت است؛ معلمین دوره‌ی ابتدایی تخصص کافی برای تدریس درس هنر ندارند. نتایج پژوهش (Aldosari, 2006) نشان داد که شرکت‌کنندگان به مقدار زیادی اهمیت نشان دادن هنر و تاریخچه‌ی هنر را درک می‌کنند و در زیبایی‌شناسی و نقد هنری پایین‌ترین میانگین نگرش‌ها را داشتند. نتایج مطالعه (Surco, 2006) نشان می‌دهد که چگونه تدریس میان‌رشته‌ای می‌تواند در کلاس درس آموزش هنر به‌طور مؤثر به‌کاربرده شود. (Christiansen, 2007) در پژوهش خود تأکید می‌کند که رویکرد آموزش هنر دیسپلین محور برای سازگار کردن شرایط معلمان، منابع کلاس درس و مدرسه بررسی و طراحی شده است. (Kazempour, Rastegarpour and Seif Naraghi, 2008) در تحقیقی نشان دادند برنامه درسی موجود هنر، مبتنی بر تولید هنری است، درحالی‌که با برنامه درسی مبتنی بر نقد هنری، تاریخ هنری و زیبایی‌شناختی تفاوت دارد. (Carter, 2008) در پژوهشی بر نقش تجربه زیبایی‌شناسی و دیدگاه تلفیقی فرهنگ و جامعه که هنر و جهان هنر را در فرهنگ قرار می‌دهد تمرکز دارد. (Sharafi, 2009) معتقد است با بررسی فعالیت‌ها و محتوای کتاب‌های درسی هنر گذشته مشاهده می‌شود به تاریخ هنر ایران، تولید هنری، زیبایی‌شناسی و نقد هنری توجه گردیده است. بر اساس پژوهش (Zaheri, 2009) حجم محتوای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی زیاد است و با زمان و فضای در نظر گرفته شده، تناسب مطلوبی ندارد. (Mehdzadeh, 2009) در پژوهشی، فراموشی بُعد محتوایی هنر، نبود فضای آموزشی مناسب، و سوءتفاهم نسبت به ماهیت هنر را، از

۱۴۰ حداکثر نمره است که افراد می‌توانند کسب کنند. این آزمون چهار مؤلفه‌ی تولید هنری، نقد هنری، تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی را مورد سنجش قرار می‌دهد. که در جدول تناظر زیر مؤلفه‌ها و پرسش‌های مرتبط به آن‌ها آمده است.

(Naraghi, 2008) به نام تن تز، در پژوهشی مشابه آزمون محقق ساخته تربیت هنری در دوره ابتدایی تهیه شد. این آزمون در قالب ۳۵ سؤال چندگزینه‌ای با طیف لیکرت (با مقیاس چهاردرجه‌ای، خیلی کم - کم - زیاد - خیلی زیاد) بوده است و چهار مؤلفه تولید، نقد، تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی تربیت هنری را می‌سنجد. ۳۵ حداقل و

جدول ۲-۳. طرح تناظر سؤال‌ها

شماره سؤال‌ها	حوزه سؤال‌ها
۱، ۴، ۷، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۲۸، ۳۲	تولید هنری
۳، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۳۰	نقد هنری
۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۱، ۲۳، ۲۷، ۳۳	تاریخ هنری
۶، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۸، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۵	زیبایی‌شناسی

کلاژ پل چشمه کیله با مواد انتخابی توسط گروه‌های دانش‌آموزان بود و در ادامه پس‌آزمون بر روی هر دو گروه آزمایش و کنترل اجرا گردید و نهایتاً پیش‌آزمون و پس‌آزمون هر دو گروه مورد بررسی قرار گرفت. در راستای تحلیل یافته‌های پژوهش از دو روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد؛ که در بخش آمار توصیفی از فراوانی، نمودار، میانگین و انحراف استاندارد و در بخش آمار استنباطی از آزمون تحلیل کواریانس چند متغیره (مانکووا) استفاده شد.

یافته‌ها

قبل از انجام تحلیل کواریانس چندمتغیره، ابتدا پیش‌فرض‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از بررسی به‌عمل آمده چون رابطه خطی و مفروضه‌های همگنی ماتریس واریانس و کواریانس و مفروضه برابری خطای واریانس‌ها و همگنی شیب خط رگرسیون تأیید شده، پژوهشگران مجاز استفاده از تحلیل کواریانس چند متغیره‌اند. بررسی میانگین و انحراف استاندارد میزان تولید، نقد، تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی گروه آزمایش و کنترل در جدول شماره ۱ گزارش شده است. جداول مربوط به پیش‌فرض‌های تحلیل کواریانس:

روایی محتوایی (Validity) ابزار به تأیید متخصصان علوم تربیتی و آموزش هنر رسید. پایایی آزمون تربیت هنری شامل ۳۵ سؤال به کمک آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۳ محاسبه گردید. پایایی سؤال‌های تولید هنری به میزان ۰/۸۱، نقد هنری به میزان ۰/۸۲، تاریخ هنری به میزان ۰/۸۳، و زیبایی‌شناسی به میزان ۰/۸۳ بود. به‌منظور اجرای طرح آموزش هنر دیسپلین محور بعد از مطالعات لازم پیرامون مبانی نظری، اقدام به تهیه ابزار شد که با کسب مجوز از آموزش و پرورش جهت اجرای طرح در مدرسه، جلسه‌ی توجیهی با مدیر مدرسه و آموزگار پایه و متخصص هنر برگزار شد. پس از مشخص شدن دو کلاس گروه آزمایش و کنترل و تمهید مقدمات و ابزار و وسایل طرح، پیش‌آزمون بر روی هر دو گروه اجرا شد. طرح آموزش هنر دیسپلین محور در ۹ جلسه ۵۰ دقیقه‌ای ارائه شد. برنامه اجرا شده شامل: **رویکرد:** آموزش هنر دیسپلین محور. **اهداف:** شامل هدف‌های غایی و اهداف کلی درس هنر. **محتوا:** فعالیت‌ها در زمینه‌ی تربیت هنری (تولید هنر، نقد هنر، تاریخ هنر، زیبایی‌شناسی). شامل نقاشی با مداد رنگ، بر روی ورق اشتنباخ (کاخ مرمیر رامسر). نقاشی بر روی بوم با رنگ و روغن (دریای خزر).

جدول ۱. آزمون باکس جهت بررسی ماتریس واریانس و کوواریانس.

Box's	F	df _۱	df _۲	P سطح معناداری
۱۶/۱۰۰	۱/۴۶۴	۱۰	۱۱۰۱۵/۱۳۹	۰/۱۴۶

رابطه معناداری از لحاظ آماری وجود دارد. که این روابط نباید از ۰/۹۰ بیشتر باشد زیرا سهم نسبی هر کدام از متغیرها مشخص نمی‌شود.

بررسی مفروضه برابری خطای واریانس‌ها در جدول شماره ۳ گزارش شده است.

در بررسی مفروضه برای خطای واریانس‌ها، چون سطح معناداری متغیر وابسته تولید هنری، نقد هنری، و تاریخ هنری، و زیبایی‌شناسی بیشتر از ۰/۰۵ هست، لذا داده‌ها، مفروضه تساوی خطای واریانس‌ها را زیر سؤال نبرده است. بررسی مفروضه همگنی شیب‌های رگرسیون در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

به‌منظور بررسی مفروضه همگنی ماتریس واریانس و کوواریانس، آزمون باکس انجام گرفت. با توجه به نتایج جدول شماره ۱، چون سطح معناداری بیش‌تر از $P=0/05$ است لذا F محاسبه شده از لحاظ آماری معنادار نیست. پس فرض همگنی ماتریس واریانس و کوواریانس مورد تأیید قرار گرفته است.

بررسی میزان ضریب همبستگی بین متغیر وابسته تولید هنری، نقد هنری و تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی در جدول ۲ گزارش شده است.

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بین متغیرهای تولید هنری و نقد هنری و تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی

جدول ۲. همبستگی متقابل بین متغیرهای تولید هنری و نقد هنری و تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی.

متغیرهای وابسته	R	n	p
تولید هنری و نقد هنری	۰/۳۱۰*	۵۰	۰/۰۲۸
نقد هنری و تاریخ هنری	۰/۴۰۳**	۵۰	۰/۰۰۰۱
تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی	۰/۴۷۹**	۵۰	۰/۰۰۰۱
تاریخ هنری و تولید هنری	۰/۴۵۶**	۵۰	۰/۰۰۱

** سطح معناداری در سطح ۰/۰۱ * سطح معناداری در سطح ۰/۰۵

جدول ۳. مفروضه برابری خطای واریانس‌ها

سطح معناداری p	df _۲	df _۱	F	تولید هنری
۰/۱۳۷	۴۸	۱	۲/۲۹۰	تولید هنری
۰/۴۱۹	۴۸	۱	۰/۶۶۴	نقد هنری
۰/۰۵۶	۴۸	۱	۳/۸۴۴	تاریخ هنری
۰/۰۷۹	۴۸	۱	۲۲۱/۳	زیبایی‌شناسی

جدول ۴. مفروضه همگنی شیب‌های رگرسیون

منبع تغییرات	مجموع مجزورات ss	درجه آزادی df	میانگین مجزورات ms	f	سطح معناداری P	اندازه اثر Eta	توان آزمون
گروه مستقل و پیش‌آزمون تولید هنری	۱/۲۴۲	۱	۱/۲۴۲	۱/۵۵۲	۰/۲۲۰	۰/۰۳۷	۰/۲۲۹
گروه مستقل و پیش‌آزمون نقد هنری	۵/۳۸۷	۱	۵/۳۸۷	۱/۲۳۳	۰/۲۷۴	۰/۰۳۰	۰/۱۹۲
گروه مستقل و پیش‌آزمون تاریخ هنری	۲۳/۸۷۱	۱	۲۳/۸۷۱	۰/۱۲۷	۰/۰۵۷	۲/۴۳۳	۰/۳۳۱
گروه مستقل و پیش‌آزمون زیبایی‌شناسی	۴/۹۴۰	۱	۴/۹۴۰	۳/۶۵۷	۰/۰۶۳	۰/۰۸۴	۰/۴۶۳

پس از بررسی به‌عمل‌آمده چون رابطه خطی و مفروضه‌های همگنی ماتریس واریانس و کواریانس و مفروضه برابری خطای واریانس‌ها و همگنی شیب خط رگرسیون تأیید شده پژوهشگر مجاز استفاده از تحلیل کواریانس چند متغیره است. بررسی میانگین و انحراف استاندارد میزان تولید هنری و نقد هنری تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی گروه آزمایش و کنترل در جدول شماره ۵ گزارش شده است.

نتایج میانگین تعدیل یافته و انحراف استاندارد تولید، نقد و تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی در جدول شماره ۶ گزارش داده شده است.

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد چون سطح معناداری تعامل بین گروه مستقل و پیش‌آزمون تولید هنری و تعامل بین گروه مستقل و پیش‌آزمون نقد هنری و تعامل بین گروه مستقل و پیش‌آزمون تاریخ هنری و تعامل پیش‌آزمون و زیبایی‌شناسی از $p=0/05$ بزرگ‌تر است لذا f محاسبه شده از لحاظ آماری معنادار نیست. چون تعامل معنادار نیست. بنابراین فرض همگنی شیب رگرسیون تأیید می‌شود و داده‌های فرض شیب رگرسیون را تأیید می‌کند و فرض همگنی شیب رگرسیون زیر سؤال نرفته است.

جدول ۵. میانگین و انحراف استاندارد پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه آزمایش و کنترل

متغیرها	گروه آزمایش		گروه کنترل	
	میانگین \bar{x}	انحراف استاندارد S	میانگین \bar{x}	انحراف استاندارد S
پیش‌آزمون تولید هنری	۲۵	۰/۳۰۲	۲۶	۰/۳۰۷
پس‌آزمون تولید هنری	۲۷/۰۸	۱/۸۹۱	۲۶/۶۸	۱/۴۶۴
پیش‌آزمون نقد هنری	۱۹	۰/۳۰۹	۲۰	۰/۴۱۰
پس‌آزمون نقد هنری	۳۰/۲۰	۳/۴۵۲	۲۹/۶۸	۳/۱۱۹
پیش‌آزمون تاریخ هنری	۱۸	۰/۲۰۲	۲۳	۰/۳۱۴
پس‌آزمون تاریخ هنری	۲۴/۲۸	۴/۰۲۶	۱۹/۶۸	۳/۹۳۴
پیش‌آزمون زیبایی‌شناسی	۲۱	۳/۱۱	۲۷/۹۰	۲/۷۸
پس‌آزمون زیبایی‌شناسی	۲۸/۹۶	۳/۹۶۳	۲۶/۱۶	۵/۲۸۱

جدول ۶. میانگین تعدیل یافته و انحراف استاندارد

متغیرها	گروه آزمایش		گروه کنترل	
	\bar{x}	S	\bar{x}	S
تولید هنری	۲۷/۱۹۸	۰/۱۸۰	۲۶/۵۶۲	۰/۱۸۰
نقد هنری	۳۰/۴۷۵	۰/۴۷۷	۲۹/۴۰۵	۰/۴۷۷
تاریخ هنری	۲۳/۷۸۱	۰/۶۴۳	۲۰/۱۷۹	۰/۶۴۳
زیبایی‌شناسی	۲۸/۱۶۱	۰/۲۵۵	۲۶/۹۵۹	۰/۲۵۵

جدول ۷. میزان اثر (Eta) بر اساس آزمون لامبدای ویلکز (Wilks Lambda) برای متغیر ترکیبی

متغیر	ارزش Value	F	df ₁	df ₂	سطح معناداری p	اندازه اثر Eta	توان آزمون
گروه	۰/۵۹۶	۶/۹۴۷	۴	۴۱	۰/۰۰۰۱	۰/۴۰۴	۰/۹۸۹

مجذور اتا (Eta) به‌عنوان مقدار سهمی از واریانس است که به متغیر ترکیبی جدید مرتبط است که در پژوهش حاضر، متغیر تولید، تاریخ و نقد هنری و زیبایی‌شناسی را شامل می‌شود که می‌توان متغیر ترکیبی جدید را

"آموزش هنر دیسپلین محور" نامید. این مقدار ۰/۴۰۴ است که نشان‌دهنده‌ی اندازه اثر آموزش بر متغیر تولید، نقد، تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی است. اندازه اثرهای بالاتر از ۰/۱۴ نشان‌دهنده‌ی اثر زیاد است.

جدول ۸. تحلیل نتایج کواریانس برای متغیرهای تولید، نقد و تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی

توان آزمون	اندازه اثر Eta	سطح معناداری p	F	میانگین مجذورات ms	درجه آزادی df	مجموع مجذورات ss	منبع پراش	گروه
۰/۶۶۵	۰/۱۱۹	۰/۱۱۹	۵/۹۴۶	۴/۵۸۳	۱	۴/۵۸۳	تولید هنری	
۰/۳۲۸	۰/۰۵	۰/۱۲۹	۲/۳۹۶	۱۲/۹۳۵	۱	۱۲/۹۳۵	نقد هنری	
۰/۹۶۶	۰/۲۵۳	۰/۰۰۰۱	۱۴/۹۳۲	۱۴۶/۸۹۱	۱	۱۴۶/۸۹۱	تاریخ هنری	
۰/۸۸۹	۰/۱۹۴	۰/۰۰۰۱	۱۰/۵۷۳	۱۶/۳۲۳	۱	۱۶/۳۲۳	زیبایی‌شناسی	

هنری در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود ندارد.

پس از تعدیل میانگین پیش‌آزمون متغیر تاریخ هنری به میزان (۲۱/۱۸)، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول شماره ۸ برای متغیر، با توجه به F محاسبه شده $\eta^2 = ۰/۲۵۳$ ، $p = ۰/۰۰۰۱$ و $F(۱, ۴۴) = ۱۴/۹۳۲$ ، چون سطح معناداری کمتر از آلفای میزان شده بن فرونی (۰/۰۱۲) است، بنابراین F محاسبه شده از لحاظ آماری معنادار است. لذا می‌توان گفت که بین نمرات پس‌آزمون تاریخ هنری در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد.

پس از تعدیل میانگین پیش‌آزمون متغیر زیبایی‌شناسی به میزان (۲۵/۲۲)، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول شماره ۸ برای متغیر، با توجه به F محاسبه شده $\eta^2 = ۰/۱۹۴$ ، $p = ۰/۰۰۰۱$ و $F(۱, ۴۴) = ۱۴/۹۳۲$ ، چون سطح معناداری کمتر از آلفای میزان شده بن فرونی (۰/۰۱۲) است، بنابراین F محاسبه شده از لحاظ آماری معنادار است. می‌توان گفت که بین نمرات پس‌آزمون زیبایی‌شناسی در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول شماره ۸ و برای تحلیل متغیرهای وابسته تولید، نقد و تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی در دو گروه آزمایش و کنترل، از آلفای میزان شده بن فرونی (۰/۰۱۲) استفاده شده است. پس از تعدیل میانگین پیش‌آزمون متغیر تولید هنری به میزان (۲۵/۸۶)، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول شماره ۸ برای متغیر تولید هنری، با توجه به F محاسبه شده $\eta^2 = ۰/۱۱۹$ ، $p = ۰/۰۱۹$ و $F(۱, ۴۴) = ۵/۹۴۳$ ، چون سطح معناداری بیشتر از آلفای میزان شده بن فرونی (۰/۰۱۲) است، بنابراین F محاسبه شده از لحاظ آماری معنادار نیست. لذا می‌توان گفت که بین نمرات پس‌آزمون تولید هنری در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود ندارد.

پس از تعدیل میانگین پیش‌آزمون متغیر نقد هنری به میزان (۲۶/۸۸)، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول شماره ۸ برای متغیر، با توجه به F محاسبه شده $\eta^2 = ۰/۰۵$ ، $p = ۰/۱۲۹$ و $F(۱, ۴۴) = ۲/۳۹۶$ ، چون سطح معناداری کمتر از آلفای میزان شده بن فرونی (۰/۰۱۲) است، بنابراین F محاسبه شده از لحاظ آماری معنادار نیست. لذا می‌توان گفت که بین نمرات پس‌آزمون نقد

با عنایت به معنادار شدن تفاوت میانگین‌های با ۰/۹۵ اطمینان بیان می‌کنیم که برنامه درسی آموزش هنر دیسپلین محور در حوزه‌های تولید و نقد هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر نداشته، درحالی‌که در حوزه‌های تاریخ هنری و زیبایی‌شناسی بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

اولین یافته پژوهش نشان داد: «برنامه درسی تولید هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان گروه آزمایش تأثیر ندارد.» بر اساس داده‌های جدول ۶، میانگین دو گروه آزمایش و کنترل با هم تفاوت ندارند. بر اساس یافته‌های جدول شماره ۸، از آنجاکه تربیت هنری دانش‌آموزان بین دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود ندارد، بنابراین برنامه درسی آموزش هنر دیسپلین محور در حوزه تولید هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر ندارد. این در حالی است که میانگین برنامه درسی تولید هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل بیشتر است ولی از نظر آماری این تفاوت معنی‌دار نیست. نتیجه این پژوهش با یافته‌های پژوهشی (Wanda, 19990) نقد در هنر موسیقی وجود دارد و نقد هنری در محتوای تربیتی برنامه درسی هنر در کتب درسی ابتدایی توجه شده است. (Hamblen, 1993) نقد هنر روندی روبه رشد با موقعیت‌ها و شرایط جدید دارد. (Omniewski, 2004) نقد به‌عنوان ابزاری برای فهمیدن در هنر وجود دارد. (Christiansen, 2007) معلمان به دلیل ارزشمندی نقد هنری در آموزش هنر از این مدل به‌عنوان مدل اصلی استفاده می‌کنند. بنابراین، نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های مزبور در حوزه نقد هنری مطابقت دارد.

سومین یافته پژوهش نشان داد: «برنامه درسی تاریخ هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد.» بر اساس داده‌های جدول ۶، میانگین دو گروه آزمایش و کنترل با هم تفاوت دارند. بر اساس یافته‌های جدول شماره ۸، از آنجاکه تربیت هنری دانش‌آموزان بین دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود دارد، بنابراین برنامه درسی آموزش هنر دیسپلین محور در حوزه تاریخ هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد. نتیجه‌ی این پژوهش با یافته‌های پژوهشی (Kazempour, Rastegarpour and Seif Naraghi, 2008) برنامه درسی تاریخ هنر بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد. (Mehdizadeh, 2009) آموزش تاریخ هنر باعث آشنایی دانش‌آموزان با میراث

دومین یافته پژوهش نشان داد: «برنامه درسی نقد هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان گروه آزمایش تأثیر ندارد.» بر اساس داده‌های جدول ۶، میانگین دو گروه آزمایش و کنترل با هم تفاوت ندارند. بر اساس یافته‌های جدول شماره ۸، از آنجاکه تربیت هنری دانش‌آموزان بین دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود ندارد، بنابراین برنامه درسی آموزش هنر دیسپلین محور در حوزه نقد هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر ندارد. این در حالی است که میانگین برنامه درسی نقد هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل بیشتر است ولی از نظر آماری این تفاوت معنی‌دار نیست. نتیجه این پژوهش با یافته‌های پژوهشی (Wanda, 19990) نقد در هنر موسیقی وجود دارد و نقد هنری در محتوای تربیتی برنامه درسی هنر در کتب درسی ابتدایی توجه شده است. (Hamblen, 1993) نقد هنر روندی روبه رشد با موقعیت‌ها و شرایط جدید دارد. (Omniewski, 2004) نقد به‌عنوان ابزاری برای فهمیدن در هنر وجود دارد. (Christiansen, 2007) معلمان به دلیل ارزشمندی نقد هنری در آموزش هنر از این مدل به‌عنوان مدل اصلی استفاده می‌کنند. بنابراین، نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های مزبور در حوزه نقد هنری مطابقت دارد.

سومین یافته پژوهش نشان داد: «برنامه درسی تاریخ هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد.» بر اساس داده‌های جدول ۶، میانگین دو گروه آزمایش و کنترل با هم تفاوت دارند. بر اساس یافته‌های جدول شماره ۸، از آنجاکه تربیت هنری دانش‌آموزان بین دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود دارد، بنابراین برنامه درسی آموزش هنر دیسپلین محور در حوزه تاریخ هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد. نتیجه‌ی این پژوهش با یافته‌های پژوهشی (Kazempour, Rastegarpour and Seif Naraghi, 2008) برنامه درسی تاریخ هنر بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد. (Mehdizadeh, 2009) آموزش تاریخ هنر باعث آشنایی دانش‌آموزان با میراث

توافق ایجاد کرد. (Standford, 1990) زیبایی‌شناسی منجر به آموزش مؤثر کلاس‌های درس مقطع ابتدایی و افزایش مهارت‌های ادراکی می‌شود. واندا (۱۹۹۰) زیبایی‌شناسی در محتوای تربیتی برنامه درسی هنر مورد توجه قرار گرفته اما اجرای آن تحت تأثیر گروه‌های اجتماعی و قدرت سیاسی قرار دارد. (Kaagan, 1990) مکتب زیبایی‌شناسی تأکید بر روی آموزش هنر در مدارس آمریکا را با ارائه استراتژی‌هایی برای گسترش تجربیات هنری از طریق آموزش هنر دیسپلین محور است. (Mcwhinnie, 1990) اولویت‌های زیبایی‌شناسی را بر اساس اولویت‌های زیبایی‌شناسی دانشجویان رشته‌ی طراحی مناسب دانست. (Hamblen, 1993) که زیبایی‌شناسی در قالب آموزش هنر دیسپلین محور روندی روبه رشد و متناسب با موقعیت‌ها و شرایط جدید دارد. (Rozek, 1994) آموزش ضمن خدمت معلمان باعث بهبود و ارتقاء کیفیت آموزش هنر در کلاس‌های درس و در نتیجه آموزش مؤثر دانش‌آموزان می‌شود. (Carrol, 1999) با آموزش هنر دیسپلین محور می‌توان بین زیبایی‌شناسان توافق ایجاد نمود. (Omniewski, 2004) مطالعات در زیبایی‌شناسی بچه‌ها را قادر به فهمیدن و بحث در مورد تأثیر هنرها می‌کند. (Aldosari, 2006) به دلیل کارآمدی زیبایی‌شناسی در زمینه‌های مختلف مورد پذیرش و کاربرد معلمان هنر پایه ابتدایی قرار گرفته است. (Christiansen, 2007) معلمان باتجربه به دلیل ارزشمندی زیبایی‌شناسی در قالب آموزش هنر دیسپلین محور از آن به‌عنوان مدل اصلی استفاده می‌کنند. بنابراین، نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های مزبور در حوزه زیبایی‌شناسی مطابقت دارد و بیانگر آن است که برنامه درسی زیبایی‌شناسی بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد. بر اساس نتیجه اخذشده از فرضیه اول، پیشنهاد می‌شود از این بخش (تولید هنر) در رویکردی تلفیقی در سایر دروس استفاده گردد و زمینه‌ها و امکانات مورد نیاز برای آموزش هنر را فراهم آوریم، چراکه نبود امکانات باعث

فرهنگی و هنر گذشته ایران و هنرمندان می‌شود. (Standford, 1990) تاریخ هنر منجر به آموزش مؤثر کلاس‌های درس دوره ابتدایی و در نتیجه توجه به سوابق در موارد دیگر می‌شود. (Hamblen, 1993) تاریخ هنر در قالب آموزش هنر دیسپلین محور روندی روبه رشد و متناسب با موقعیت‌ها و شرایط جدید دارد. (Rozek, 1994) آموزش ضمن خدمت معلمان باعث بهبود و ارتقاء کیفیت آموزش هنر در کلاس‌های درس و در نتیجه آموزش مؤثر دانش‌آموزان می‌شود. (Carrol, 1999) تاریخ هنر در قالب آموزش هنر دیسپلین محور می‌تواند بین مورخان هنر توافق ایجاد نماید. الدوساری (۲۰۰۶) به دلیل کارآمدی تاریخ هنر در زمینه‌های مختلف مورد پذیرش و کاربرد معلمان هنر پایه ابتدایی قرار گرفته است. (Christiansen, 2007) در نتایج پژوهش خود آورده حتی معلمان باتجربه به دلیل ارزشمندی تاریخ هنر در قالب آموزش هنر دیسپلین محور از آن به‌عنوان مدل اصلی استفاده می‌کنند. بنابراین، نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های مزبور در حوزه تاریخ هنری مطابقت دارد و بیانگر آن است که برنامه درسی تاریخ هنری بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد.

چهارمین یافته پژوهش نشان داد «برنامه درسی زیبایی‌شناسی بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد.» بر اساس داده‌های جدول ۶، میانگین دو گروه آزمایش و کنترل با هم تفاوت دارند. بر اساس یافته‌های جدول شماره ۸، از آنجاکه تربیت هنری دانش‌آموزان بین دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود دارد، بنابراین برنامه درسی آموزش هنر دیسپلین محور در حوزه زیبایی‌شناسی بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد. نتیجه این پژوهش با یافته‌های پژوهشی (Kazempour, Rastegarpour and Seif Naraghi, 2008) برنامه درسی زیبایی‌شناسی بر تربیت هنری دانش‌آموزان تأثیر دارد. (Mcwhinnie, 1990) با مرتبط کردن نظریات صاحب‌نظران با مدل برتر بین مدل برتر و زیبایی‌شناسی

هنرهای سنتی و هنر نوین با ارزش‌گذاری یکی و پست نمودن دیگری زمینه‌ی توجّه به یکی و غفلت از دیگری را فراهم نیآوریم و هیچ‌یک از شاخه‌های هنر را کم‌ارزش تلقی نکنیم. پیشنهاد می‌شود برای هرکدام از این شاخه‌ها، عرصه و امکانات خاصش را فراهم سازیم. در تدوین برنامه درسی دوره‌های مختلف، ارزش و بهای درس هنر به‌عنوان مهارت چهارم در سواد، لحاظ و زمینه‌ی خروج از مهجوریت تحمیل شده فراهم گردد. با افزایش ساعات آموزش هنر و به‌کارگیری معلمان هنر آموزش‌دیده به‌طور تخصصی و برگزاری هم‌اندیشی‌ها و جشنواره‌های هنری در دوره‌های تحصیلی و نشریات تخصصی مناسب، روحی تازه بر کالبد بی‌جان آموزش هنر در مدارس دمیده شود. در پایان پیشنهاد می‌شود قبل از هدف‌گذاری شرایط و امکانات و منابع موجود مورد بررسی و با توجه به شکاف (گپ) موقعیت موجود و موقعیت مطلوب اقدام به برنامه‌ریزی شود که وجود برنامه بدون اجرای مناسب و به‌موقع ثمری نخواهد داشت.

منابع

- Amini, M. (2001). Optimal design an elementary school art curriculum Iran. Unpublished doctoral dissertation curricula. Tarbiyat Modares University. [Persian]
- Amini, M. (2005). Art education in the field of education. Tehran. Publication Ayizh. [Persian]
- Aldosari, M. (2006). Arkansas Elementary- Art teacher's Attitudes toward. Discipline-Based-Art Education and their Implementation of the state visual Arts standards. <http://proquest.umi.com/university> of Arkansas. [Persian]
- Carroll, J. (1999). Art as a Discipline concealed in- the Beliefs and practices of two Artists. A. Of Art Education, Melbourne. Australian catholic university. Sydney, Australia.
- Carter, M C. (2008). Volitional Aesthetics: A Philosophy for the Use of Visual Culture in Art Education. A journal of issues and Research in Art Education, Vol. 49, NO, 1.
- Christiansen, A. Tippets. (2007). The shelf life of Discipline-based DBAE: art teacher retention of art education strategies in the classroom.

عدم وجود کیفیت مناسب آموزشی می‌شود. بر اساس نتیجه اخذشده از فرضیه دوم، فضای مناسب ابراز نظرات در دروس مباحثه‌ای با زمینه‌ی احساس امنیت فراهم شود. در تدوین محتوا این موضوع لحاظ شود و در راستای ترویج تفکر انتقادی فعالیت‌های آموزشی صورت گیرد. بر اساس نتیجه اخذشده از فرضیه‌ی سوم، در تدریس سایر دروس به پیشینه‌ها و روندهای تاریخی به‌صورت تلفیقی توجه شود که می‌تواند با تاریخچه‌ای مختصر از محل تحصیل و یا محل زندگی آغاز گردد که البته اقداماتی این‌چنین، مسئولیت را از ادارات آموزش و پرورش جهت تدارک نگارخانه‌های هنری و یا موزه‌های مناسب دوره‌های تحصیلی سلب نمی‌کند. بر اساس نتیجه اخذشده از فرضیه چهارم، توصیه می‌شود در دوره ابتدایی از جنبه‌ی عینی، و ملموس، زیبایی‌شناسی آموزش داده شود و جلوه‌های آن را در فضای آموزشی درک کنند که این مستلزم مساعدت ادارات آموزش و پرورش اولیاء دانش‌آموزان با مدیر مدرسه است.

و درنهایت بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود با مشارکت صاحب‌نظران هنری در جهت تدوین محتوای مناسب اقدام شود. یکی از راه‌حل‌های مشکلات و معضلات پیش روی آموزش هنر به وجود آوردن شرایطی است که بر اساس آن امکان استفاده از ابزارهای گوناگون آموزشی به‌صورت یکنواخت و یکسان برای همگان میسر شود. زمانی کمیت به حد مطلوب و قابل قبول خواهد رسید که امکانات آموزش به‌طور یکسان برای همه‌ی قشرها مهیا باشد و در اختیار همگان قرار داشته باشد. تأمین کیفیت زمانی تحقق می‌یابد که قابلیت‌های کیفی مناسب به مخاطب ارائه شود. با ایجاد پیش‌زمینه، امکان درک این کیفیت‌ها برای مخاطب فراهم می‌شود. برای ایجاد بستر مناسب، به آموزش بصری و تجربی توجّه شود. به‌جای تکیه بر فرد در برنامه‌ریزی، بر اساس نظام و برنامه‌ی آموزشی کارآمد و تجربیات همه‌ی مراکز و مؤسسات اقدام گردد و شرایطی ایجاد کنیم که هم هنرجو و هم نظام آموزشی کاملاً آگاهانه حرکت کنند. بین

- Research Initiative of Sistan and Baluchestan. [Persian]
- Mehdizadeh, A. (2009). Development of Education in Arts. Development of art education. Volume VII, Number One. Pp. 12-6. [Persian]
- Mehrmohammadi, M. (2004). What, why and how arts education. Tehran: Publication school [persian]
- Mehrmohammadi, M and Amini M. (2001). During the initial optimal design Art Education. Journal - Humanities Research University of Alzahra. Year 11, No. 39. [Persian]
- Mcwhinnie, H. J. (1990). Aesthetic Preference for Human- Figures. University of Maryland.
- Omniewski, Rosemary A. (2004). Elementary and- Middle school Art curriculum Guide lines. Edinboro- university of Pennsylvania.
- Rozeck, P. (1994). Increasing Elementary- Teacher Knowledge in Discipline-Based- Art Education through In-service. Nova University.
- Stand ford, Linda O. (1990). Art and the Elementary- School- Experience. Elementary Subjects center Series No. 21. Center for the Learning and Teaching of Elementary- Subjects, East Lansing, MI.
- Schappelle, L. Scott. (2006). Art criticism through storytelling. Unpublished Master's Thesis, University of Maryland. PDF
- Suraco, TL. (2006). An Interdisciplinary Approach in the Art Education Curriculum. A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Art Education in the College of Arts and Sciences, Georgia State University.
- Silver, J. C and A, William M and Lewis, Arthur J. (2001). Curriculum Planning for Better Teaching and Learning. Translated by Gholamreza Khoinejad. Breed temperament. Tehran: publisher Samt.
- Sharafi, H. (2009). Analysis and Critique of Iran's past and present status of elementary school art curriculum. Institute of Education, Ministry of Education, in press. Tehran. [Persian]
- Sharafi, H. (2010). An integrated arts education, learning the art and science DaVinci style. Educational pamphlets, Retrieved from Education Research Initiative, Ministry of Education. Tehran. [persian]
- Sharafi, H. (2010). Gardner's approach to explaining the creative arts curriculum. Educational pamphlets, Retrieved from Unpublished Doctoral dissertation. Florida state university
- Dobbs, S M. (1992). The DBAE hand book: An overview of discipline-based art education. Los Angeles: Getty Center Education in the Arts, Ca. PDF
- Dobbs, S M. (2003). Learning in and through art: a guide to Discipline-Based Art Education/ Library of Congress. Cataloging in Publication Data.
- Department of Art curricula. (2009). Curriculum Guide, arts general education courses. Research and Educational Planning, Tehran: Office of Planning and Public textbooks and theoretical.
- Dalvand, H (2010). Arts in Elementary Education. The publisher Samt.
- Fathi Vajargah, Kourosh. (2007). Curriculum toward new identities. Tehran: Publication Ayizh. [Persian]
- Greer, w. (1993). Improving visual- Arts Education: Find Report on the Los Angeles Getty- Institute for Education on the visual Arts. Getty Center for Education in the Art, Los Angeles, ca.
- Hamblen, K. (1993). The Emergence of- Neo-DBAE. Louisiana state university. Baton Rouge.
- Kazempour,E; Rastegarpour,H and Saif Naraghi, M. (2008). Evaluation of school-based arts curriculum, discipline-based approach. Journal of Leadership and Management Training, University Branch Unit. No. 4. Pp 125-149. [Persian]
- Kaagan, S. (1990). Aesthetic persuasion: pressing- the cause of Arts Education in American Schools. Getty- center for Education in the Arts, Los Angeles.ca.
- Lotfabadi,H; Ebrahimzadeh, E; Jolaei-Hashemi, Sh and Mehrmohammadi, M. (2010). Book Review Panel, what why how public education art. Quarterly Educational Innovations. No. 14. Pp. 179-163. [Persian]
- Lrkyan, M. (2011). Identify and explain the dimensions and levels of the primary school curriculum neglected art in Iran, based on the desired pattern. Unpublished Ph.D. Dissertation. Tabatabai University. [Persian]
- Mollazehi, A. (2005). Strategies to increase the effectiveness of teaching elementary school art in Sistan-Baluchistan province. Education

Education Research Initiative, Ministry of Education. [Persian]

Tamannayifar, MR; Amini, M and Yazdani Kashani, Z. (2010). Contemplation of the functions of art education in the school system. Development of art education. Volume VIII, No.2, Pp 42-49. [persian]

Wilson, B. (1997). The Quiet Evolution: changing the Face of Arts Education. Getty center for Education in the Arts, Los Angeles, ca.

Wanda.T May; Tamara Lantz and Sara Rohr. (1990). "whose" content, context; and Culture in Elementary Art and Music Text books? - Elementary Subjects Center Series No. 23. Center for the Learning and Teaching of Elementary Subjects, East- Lansing, MI; Michigan State University. East Lansing. Ins. For Research on the Teaching.

Zaheri, H. (2009). An overview of the results of the evaluation experiment fourth grade art curriculum. Development of art education. Volume VII. No.1. Pp 57-58. [Persian]

